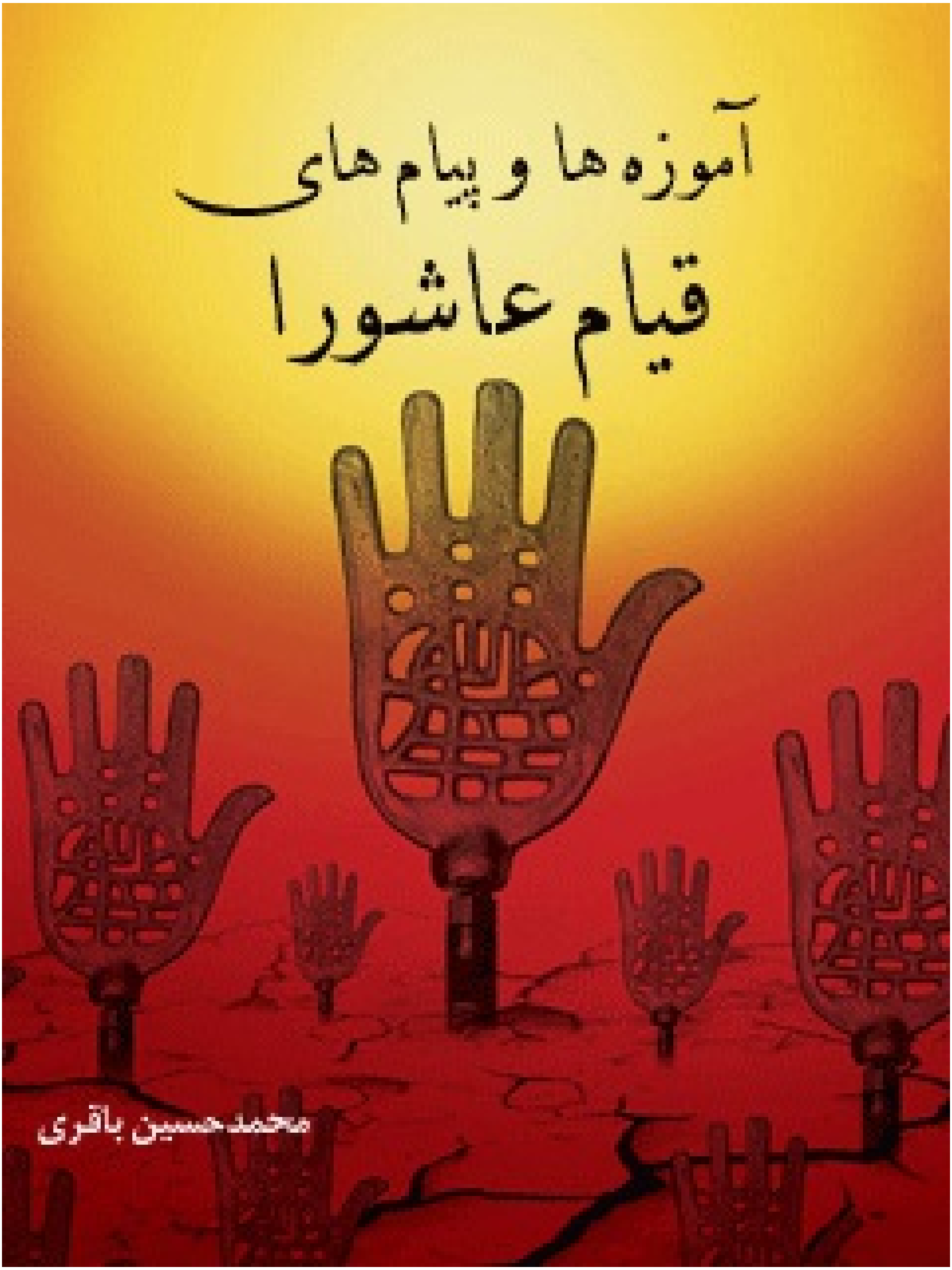

آموزه ها و پیام های
قیام عاشورا
محمد حسین باقری

بسم الله الرحمن الرحیم

آموزه ها و پیام های قیام عاشورا

نویسنده:

محمد حسین باقری

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آموزه ها و پیام های قیام عاشورا

مشخصات کتاب

نویسنده : محمد حسین باقری

ناشر : محمد حسین باقری

مقدمه

شخصیت وعظمت امام حسین ع) همه جا را فراگرفته است تمام انسان های بیدار از فداکاری و گذشت و جوان مردی امام حسین ع) در راه احیای دین حق و عدالت وریشه کن کردن باطل و ظلم سخن می گویند، هر کس با زبانی از این امام بزرگ و پیروز درهر عصری به بزرگی یاد می کند.خاطره جان گداز و بسیار آموزنده عاشورا بزرگ ترین فداکاری ها را به بشرمی آموزد. قیام امام حسین ع) منبع الهام بخش برای به ثمر رساندن حق و عدالت بود.آن چنان همت امام بلند بود که برای اعتلای کلمه حق از همه چیز خود گذشت چنانچه برای نجات اسلام از طوفان های بنی امیّه و طرفداران آنها به جهانیان فرمود: «آگاه باشید(ابن زیاد) مرا، میان کشته شدن و ذلت مخیّر ساخته ولی ذلّت و خواری از ساحت ما دوراست نه خدا ذلّت را برای ما می پسندد و نه پیامبرش و نه مردان با ایمان دنیا، و نه آن دامن پاکی که مرا پرورش داده و نه آن روح با مناعتی که من دارم من هرگز اطاعت مردم پست را بر کشته شدن با شرافت ترجیح نمی دهم »عظمت روح و همت مردانه و نظر بلند و فداکاری بی دریغ و جانبازی بزرگ امام رانمی توان به قلم آورد و بیان کرد، مگر پشه ای می تواند خورشید را توصیف کند؟ ولی از آن جا که طبق روایتی پیامبر فرمودند: «أن لقتل الحسین حراره فی قلوب المؤمنین لا یبرد ابداً؛ همانا قتل حسین حرارتی در قلوب مؤمنین ایجاد کرده که هرگز سرد و خاموش نمی شود.»مردم با

بیان تاریخ بشر هرگز نام و یاد امام حسین ع) را فراموش نخواهند کرد درعصری که باطل پرستان و غول های مادیّت می خواهند نام امام حسین ع) را از زبان ها و یادها بیندازند سخت در اشتباه اند و به قول مقام معظم رهبری این خواب خرگوشی است هرگز تعبیر نخواهد شد و این آیه تداعی می کند که (یُریدون لیطفئوا نور اللّه بأفواههم واللّه متمّ نوره و لو کره الکافرون .

اهداف قیام عاشورا

در مورد هدف قیام امام حسین ع) عقاید مختلفی است نظریه پردازان به گونه هایی مختلف هدف امام ع) را تبیین کرده اند: گاهی حرکت امام ع) برنامه ای معنوی می شود که از جانب خداوند طراحی شده که امام ع) مجری آن بوده و قدم به قدم کارهایی را که از جانب خداوند متعال مأموریت داشته انجام می داده است عدّه ای هدف امام را امر به معروف و نهی از منکر معرفی کرده اند، چنان که عده ای هدف را مبارزه با حکومت وقت دانسته اند و برخی نیز قیام کربلا را به منظور برپایی حکومت تبیین کرده اند.اگر اهداف و عوامل را یک جا بررسی کنیم درخواهیم یافت اکثر کسانی که اهداف مختلف را برای حرکت امام حسین ع) بیان کرده اند به کلمات آن حضرت استناد کرده وهر یک به بخشی از کلمات تمسّک کرده و مطالب دیگر را نادیده گرفته اند.وظیفه شرعی و تکلیف الهی و احساس مسئولیت این مطلبی است که دلیل آن در سخنان خود آن حضرت و پدر و جدّ بزرگوارشان و بلکه در آیات کریمه قرآنی هم به وضوح دیده می شود؛ مانند آیه ای که می فرماید:(و لا تعاونوا علی ألاثم و العدوان ، معاونت بر گناه و دشمنی نکنید.بر

هیچ کس پوشیده نیست که بیعت امام با حکومت یزید بزرگ ترین کمک ومعاونت بر گناه بود.و یا وصیّت معروف امیرالمؤمنین ع) به فرزندان خود و به همه شیعیان و به خصوص به حسنین که می فرماید: «و کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً؛ باشید برای ستم کار دشمن و بر مظلومان یاور.»و یا در سخنان حضرت سیدالشهدا این انگیزه و هدف یعنی عمل به وظیفه شرعی انسجام و تکلیف الهی به خوبی به چشم می خورد. آن جا که وقتی نامه ای به بزرگان بصره می نویسد و علت نهضت و قیام و دعوت الهی خود را ذکر می کند، می نویسد:«و أنا أدعوکم الی کتاب اللّه و سنّه نبیّه ص) فإن السُنّه قد اُمیتَت و أن البدعه قد أحییَت ومن شما را به کتاب و سنت رسول خدا دعوت می کنم که براستی سنّت مرده و بدعت زنده شده است »

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قیام عاشورا

زمانی که برادر آن حضرت محمد بن حنفیه در مدینه به ایشان پیشنهاد کرد که از سفر منصرف شود، امام ع) نپذیرفت و وصیتنامه ای نوشت «و انی لم أخرج أشراً و لابطراً و لامفسداً و لاظلماً و انّما خرجت لطلب الاصلاح فی امّه جدّی اُرید أن آمر بالمعروف وأنهی عن المنکر و أسیر بسیره جدّی و أبی علی بن ابیطالب من جهت خودخواهی و گردن کشی و فتنه انگیزی و ستم گری خارج نشدم بلکه به قصد اصلاح امت جدم خروج کردم می خواهم امر به معروف و از منکر نهی کنم و بر سیره جدّم و پدرم علی بن ابی طالب رفتار کنم »امام حسین احساس می کرد که به وسیله حاکمیت معاویه و سپس یزید و

حتّی قبل از آن دو اعمالی در میان مردم رواج پیدا کرده که غیر از سیره پیغمبر(ص) و سیره علی بن ابی طالب است از این جهت امام ع) اصلاح را ضروری دید و آن اصلاح احیای سیره پدر و جدّشان از طریق امر به معروف و نهی از منکر بوده است یعنی امر به معروف و نهی از منکر وسیله این احیاگری است نه آن که خود هدف باشند.امام حسین ع) وقتی از مکه به قصد کوفه حرکت کرد. در بین راه به فرزدق برخورد.امام ع) اوضاع عراق را پرسید، او جواب داد که دل های مردم با شما ولی شمشیرهایشان بر ضدّ شماست امام ع) درباره انگیزه سفر خود فرمودند: «ان هؤلاء قوم لزموا طاعه الشیطان و ترکوا طاعه الرحمن و أظهروا الفساد فی الارض و أبطلوا الحدود و شریط الخور و استأثروا فی أموال الفقراء و المساکین أنا أوّل من قام بنصره دین الله و اعزاز شرعه و الجهاد فی سبیله لتکون کلمه اللّه هی العلیا؛ اینان جماعتی هستند که ازشیطان اطاعت کرده و اطاعت رحمان را ترک کرده اند. آنان فساد را ظاهر و حدود الهی را باطل کرده اند، شراب می نوشند و در اموال فقرا و مساکین طبق میل خود رفتار می کنند.من از همه برای یاری دین خداوند و عزیز گرداندن شرع و جهاد در راه خدا سزاوارترم تا اینکه کلمه اللّه اعتلاء یابد».از این سخنان معلوم می شود که این عوامل سبب شد که امام حسین ع) خود رابرای قیام از دیگران ارجح بداند، زیرا نواده پیامبر(ص) و امام مسلمانان است و در مقابل انحرافات نمی تواند ساکت باشد.و

به قول شهید مطهری که درباره امر به معروف و نهی از منکر می گوید: «امر به معروف و نهی از منکر می گوید: امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است به اصطلاح علت مبقیه است اصلاً اگر این اصل نباشد اصلاحی نیست حسین بن علی ع) در راه امر به معروف و نهی از منکر یعنی در راه اساسی ترین اصلی که ضامن بقای اجتماع اصلاحی است کشته شد. و در راه آن اصلی که اگر نباشد دنبالش متلاشی شدن است دنبالش تفرّق است دنبالش تفکیک و از میان رفتن و گندیدن پیکر اجتماع است بله این اصل این مقدار ارزش دارد.

امام و الگوی مبارزه با ظلم

در میان حوادث تاریخ عاشورا و شهدای کربلا از ویژگی خاصّی برخوردارند و صفحه صفحه این حماسه ماندگار، تک تک حماسه آفرینان عاشورا، الگوی انسان های حق طلب و ظلم ستیز بوده و خواهد بود، هم چنان که اهل بیت به صورت عام تر در زندگی و مرگ در اخلاق و جهاد، در کمالات انسانی و چگونه زیستن و چگونه مردن برای ما سرمشقند، از خواسته های ماست که حیات و ممات ما چون زندگی و مرگ محمّد و آل محمّد باشد؛ همان جمله که در زیارت عاشورا ست «اللهم اجعل محیای محیا محمّد و آل محمّد و مماتی ممات محمد و آل محمد» امام حسین ع) هم حرکت خویش در مبارزه با طاغوت زمان خویش برای مردم الگو می داند و می فرماید: «فلکم فیّ اسوه در تاریخ اسلام نیز، بسیاری از قیام های ضد ستم و نهضت های آزادی بخش با الهام از حرکت

عزّت آفرین عاشورا شکل گرفته و به ثمر رسیده است حتی مبارزه های استقلال طلبانه هند به رهبری مهاتما گاندی ثمره این الگوگیری بود هم چنان که خود گاندی گفته است «من زندگی امام حسین ع) را به دقت خوانده ام و توجه به صفحات کربلا نموده ام و بر من روشن شده است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد، بایستی از قیام حسین ع) الگو گیرد.»قائد اعظم پاکستان محمد علی جناح نیز گفته است «هیچ نمونه ای از شجاعت بهتر از آن که امام حسین ع) از لحاظ فداکاری و تهوّر نشان داد، در عالم پیدا نمی شود. به عقیده من تمام مسلمین باید از سرمشق این شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربانی کرد، پیروی نمایند» از عاشورا، حتی در زمینه تاکتیک ها و کیفیت مبارزه و سازماندهی نیروها و خط و مشی مبارزه و بسیاری از موضوعات دیگر هم می توان الهام گرفت در این زمینه امام خمینی چنین می فرماید: «حضرت سیدالشهدا(ع) از کار خودش به ما تعلیم کرد که در میدان وضع باید چه جور باشد و در خارج میدان وضع چه جور باشد و باید آن هایی که اهل مبارزه مسلحانه هستند چه جور مبارزه کنند و باید آن هایی که در پشت جبهه هستند چه طور تبلیغ کنند. کیفیت مبارزه را، کیفیت این که مبارزه بین یک جمعیت کم یا جمعیت زیاد باید چطور باشد، کیفیت این که قیام در مقابل یک حکومت قلدری که همه جا را در دست دارد، با یک عدّه معدود، باید چه طور باشد.این ها چیزهایی است که حضرت سیدالشهدا به ملت ما آموخته است »

رمز جاودانگی حماسه عاشورا

یکی

از اعجازهای حادثه کربلا، زنده ماندن آن است و هرچه از زمان آن می گذرد، تازه تر و شفّاف تر می گردد و قلوب انسان ها را به خود معطوف می سازد. رسول خدا(ص)می فرماید: «ان ّ لِقتل الحسین حراره فی قلب المؤمنین لا تبرد أبداً؛ برای شهادت امام حسین ع) حرارت و گرمایی در دل های مؤمنان است که هرگز سرد و خاموش نمی شود.» بنی امیه از طرح واقعه کربلا، اندیشه ای جز براندازی و ریشه کن کردن شجره طیّبه مطهّر رسول الله ص) در قالب شهادت آفرین فرزند پیامبر اکرم ص) و پنجمین اهل کساء نداشتند. آنان در این واقعه از هر جنایتی فروگذار نبودند؛ مانند شهادت طفل شیرخوار و یا تاختن با اسب ها بر پیکر مطهر آنان و یا تخریب بارگاه آن معصوم مظلوم ویا هتک حرمت های دیگر اما پس از گذشت چهارده قرن هنوز همان طراوت و شکوه وجلال را داشته و هر روز بر عظمت آن افزوده می گردد.اینک می بینیم که نه تنها امام حسین ع) و یارانش مورد تکریم و احترام شیعیان جهان است که جایگاه ویژه ای در قلوب دیگر ادیان آسمانی قرار دارد و بسیاری از پیروان آیین های غیر اسلامی نه تنها به آنان احترام قائلند بلکه برای گشایش مشکلات خود به آنان تمسّک می جویند و نذری می دهند.به نظر می رسد رمز جاودانگی این واقعه الهی این است که اوّلاً اهداف عالیه حضرت و ثانیاً الهی بودن این حرکت است چنان که گفته شده با یکی بساز بر همه درتمام دوران بناز.

جلوه های اخلاقی و تربیتی در قیام عاشورا

الف زهد وعبادت امام امام حسین ع) چنان زاهد و با ایمان بود که کسی را یارای برابری با ایشان نبود. امام به دنیا

و مافیها بی علاقه و مشتاق لِقای پروردگار خود بود. در راه اعتلای دین نه تنها هرگونه مصائب و آلام را تحمل می نمود، بلکه با کمال عشق زبان به شکرگزاری می گشود. آن حضرت برای حفظ احترام کعبه از مکه خارج شد تا مبادا خونش در حرم ریخته شود و حرمت بیت الله الحرام از بین برود، و یا شب عاشورا که مهلت گرفت تا شب را به نماز و تلاوت قرآن به سر برد، حتی در ظهر عاشورا نیز آخرین نماز خود را در برابر تیراندازان دشمن در حالی که از پیکر مبارکش خون می چکید به جا آورد.طبری از عبدالّله بن زبیر نقل می کند که هم چون شهادت آن حضرت را شنید، گفت «به خدا سوگند، مردی را کشتند که قیامش در شب طولانی و روزه اش در روز بسیار بود.»ب صبر و شکیبایی صبر و شکیبایی یا در برابر مصیبت و گرفتاری است یا برای پذیرفتن مشقات ناشی از طاعات و عبادات است و یا برای جلوگیری از هواهای نفسانی وشهوات حیوانی بر اثر ترک معصیت است تاریخ هیچ شخصیتی را هم چون امام حسین ع) به خود ندیده است که در برابر مصائب و مشکلات چون کوهی استوار پابرجا ایستاده باشد. تجسّم آخرین وداع امام با اهل بیت خود که تنی چند از زنان داغ دیده و اطفال خردسال به دورش جمع شده بودند، قلب هر شخص را جریحه دار می کند و در همین وداع بود که دخترش گفت «ای پدر حالا که خود را تسلیم مرگ کرده ای پس مارا به مدینه بفرست » امام در جواب

فرمود: «هیهات دخترم از این تمنا درگذر و صبور باش »چه صبری از این بالاتر که طفل شیرخوارش را برای طلب جرعه آب می آورد و درمقابل با تیر زهرآگین پاسخ می دهند و کودك را در آغوش پدر به شهادت می رسانند وامام ع) صبر و شکیبایی را از دست نمی دهد و با کمال متانت و بردباری به مأموریت مقدس خود ادامه می دهد، از این رو باید گفت «و لقد اعجبت من صبرك ملائکه السماء.»ج رضا به قضای الهی و صفات دیگری که در این قلم یارای رفتن در این بحرنیست و باید از خود ائمه شنید که امام حسین ع) کیست و چه کرد، قیام عاشورا جلوه گاه مکارم اخلاق و مدرسه و دانشگاه تربیت روح و نفس بود.

عزت و افتخار حسینی در حماسه کربلا

در سوره منافقون آمده است «خداوند عزیز است و عزّت را برای خود و پیامبران و صاحبان ایمان قرار داده است » صبح عاشورا در طلیعه نبرد امام ضمن سخنانی فرمود:«به خدا، قسم آنچه را از من می خواهند (یعنی تسلیم شدن نخواهم پذیرفت تا این که خدا را آغشته به خون خود دیدار کنم . در خطابه پر شور دیگری در کربلا، خطاب به سپاه کوفه در ردّ درخواست ابن زیاد مبنی بر تسلیم شدن و بیعت فرمود: «ابن زیاد مرا میان کشته شدن و ذلّت مخیّر قرار داده هیهات که من جانب ذلّت را بگیرم این را خدا و رسول و دامان های پاك عترت و جان های غیرت مند و با عزّت نمی پذیرند. هرگز اطاعت فرومایگان را بر شهادت کریمانه ترجیح نخواهم داد.»ستم پذیری و تحمل سلطه باطل و سکوت

در برابر تعـدّی و زیر بـار منّت دونـان رفتن و تسـلیم فرومایگـان شـدن و اطـاعت از کـافران و فاجران همه و همه از ذلّت نفس وزبونی و حقـارت روح انسانی سرچشـمه می گیرد. بیش از همه امامان از امام حسـین ع) مطالبی درباره مسـئله کرامت و عزّت نفس نقل شـده است اسـتاد شـهید مطهری می فرماید: امام حسـین ع) مرگ با عزت را بهتر از زندگی با ذلّت می دانست جمله معروف امام حسین ع) «هیهات منّا الذلّه عجیب است و از آن جمله هایی است که تا دامنه قیامت از آن حرارت و نور می تابد. حمـاسه و کرامت و عزت و شـرافت نفس می بارد.پس کسانی که دم از روشن فکری و قرائت های مختلف از دین می زننـد و گـاه گاهی می گوینـد که امام حسـین فـدای گذشـته پـدر و فـدای خشونت طلبی خودش شـد، بایـد به آنان گفت ای تاریک فکران اهول شـما اسـلام شـناس نیستید که هیچ اصـلًا اسلام دردل شما رسوخ نکرده و اصلاً امام حسین ع) را هم شمه ای نمی شناسـید و بـا این افکـار تاریـک به امـام حسـین ع) و اسـلام نزدیک نمی شویـد بلکه درست به نقطه مرکزی اسـلام آمریکایی نزدیک می شوید.

عاشورا و فرهنگ شهادت

در دیـد عاشوراییـان حیـات در محـدوده تولـد تـا مرگ خلاصه نمی شود بلکه امتـداد وجودی انسان به دامنه قیامت و ابـدیّت کشـیده می شود. با این حساب فرزانه کسـی است که به سـعادت دنیا بیندیشـد و نعمت ابـدی را به برخورداری موقت این دنیا ترجیـح دهـد. ازهمین ره گذر حمایت و یاری دین و اطاعت از ولی خدا، زمینه ساز سـعادت ابدی است شـرافت در حمایت از حجّت

خـداست هرچنـد به کشـته شـدن در این راه بینجامد.حبیب بن مظاهر یکی از صاحبان این دید و بصـیرت است وقتی در کربلا ازامام ع) اجازه می گیرد که به میان قبیله خود (بنی اسد) برود، آنان را به نصـرت امام فراخواند و امام ع) اجازه می دهد. شبانه نزد آنـان رفته می گویـد: «من بهترین چیزی که هر کس آن را برای قوم خویش به ارمغان می آورد برای شـما هـدیه آورده ام دعوتتـان می کنم به نصرت پسـر دختر پیغمبرتان » پس ضـمن ترسـیم وضـعیت کربلا و در محاصـره بودن امام ع) به آنان می گویـد: «در راه نصـرت او از من اطاعت کنیـد تا به شـرافت دنیا وآخرت برسـید. به خـدا سوگند هریک از شـما در راه خدا در رکـاب پسـر پیـامبر شـهید شویـد. در درجـات عـالی همراه رسول خـدا(ص) خواهـد بود.» این دیـدگاه حبیب نسـبت به حیـات وشرافت معنی بخشیدن به زندگی است قرآن کریم از کسانی که با فداکاری جان خود رادر راه خداوند فدا می کنند به عنوان وفاکننـدگان به پیمان و «صادق بر سـر عهـد الهی یادمی کند: (من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا اللّه علیه این است شـرافتی که شـهیدان از آن برخوردارنـد و آگـاه دلاـن عمری برای دست یـافتن به آن لحظه شـماری می کننـد.این شـمه ای از فرهنگ شهادت در کربلا بود و حبیب بن مظاهر نمونه ای از آن بود.

عاشورا و مرحله اسارت

اشاره

نقش اسـرای اهـل بیت پس از عـاشورا رسانـدن پیـام خون شـهیدان بود، چه در برخوردهای فردی و موضـعی و چه به صورت سخنرانی های عمومی مثل آن چه حضرت زینب و حضرت سجاد(ع) در کوفه و دمشق

انجام دادند تا همگان بفهمند که چه جنایتی نسبت به فرزند رسول خدا(ص) انجام گرفته است زنانی که در کوفه سن آنان از سی سال تجاوز می کرد، زینب را بیست سال پیش دردوران حکومت پدرش در این شهر دیده بودند و حرمت او را در دیده علی و حشمت او را درچشم پدرش در این شهر دیده بودند. زینب برای آنان چهره آشنایی بود، این که دیدن صحنه رقت بار اسیری زینب در خیل اسیران خاطرات گذشته را زنده می کرد.حضرت زینب از این فرصت استفاده نمود و شروع کرد به سخن گفتن مردم صدای آشنایی شنیدند، گویی علی ع) سخن می گوید. حنجره حنجره علی و صدا صدای علی راستی این علی است که حرف می زند یا دخترش بله او زینب است «مردم کوفه هرگز دیده هاتان از اشک تهی مباد! چه بد توشه ای برای آن جهان آماده کردید خشم خدا وعذاب دوزخ گریه می کنید؟ آری به خدا گریه کنید که سزاوار گریه اید می دانید چه خونی ریختید؟ می دانید این زنان و دختران که بی پرده در کوچه و بازار آورده اید چه کسانی هستند؟ می دانید جگر پیغمبر خدا را پاره کردید»؟این سخنان که با چنین عبارات شیوا از دلی سوخته برمی آمد و از دریایی موّاج از ایمان به خدا، نیرو می گرفت همه را دگرگون کرد. شنوندگان انگشت ندامت به دندان گزیده دری می خوردند.و یا در شام و در مجلس یزید زمانی که اهل بیت عصمت و ناموس های خدا پیش رویشان سر پا ایستاده بودند. زینب کبرا با قدرت و شهامت تمام آغاز سخن کرد وچنان خطبه می خواند که گویی حاکم و

والی زمین و آسمان است و در آن مجلس هم خطبه ای خواند که مجلس را دگرگون کرد و آن مرد سنگ دل در این هنگام چنان احساس عجز و ناتوانی کرد که لب به سخن گشود و چنان حرف زد که خبر از زبونی اومی داد او گفت «خدا بکشد پسر مرجانه را من راضی به کشتن حسین نبودم »و اما امام چهارم در کوفه به تماشاچیان که آمده بودند، اشاره کردند و فرمودند:«مردم آن که مرا می شناسد، و آن که نمی شناسد خود را به او می شناسانم » و بعد از شناساندن خودشان فرمودند: «من پسر آنم که حرمتش را در هم شکستند. اگر رسول خدا(ص) به شما بگوید، فرزندان مرا کشتید و حرمت مرا در هم شکستید، شما از امت من نیستید، به چه رویی به او خواهید نگریست » و یا در مجلس شام هم به همین صراحت امام با سخنان کوبنده خود و بیان کلمات وحی گونه خود مجلس را دگرگون کردند. یزید ترسید، شورش برپا شود، لذا به مؤذّن دستور داد تا اذان بگوید. مؤذّن به پاخاست و اذان را شروع کرد و این هم با سخنان و استشهادهای امام بر ضد یزید تمام شد. بله این جزء نقشه امام حسین ع) بود که مرحله اوّل را خود و یارانش با شهادت انجام دادند و مرحله دوم آن یعنی رساندن پیام قیام کربلا بر عهده امام زین العابدین ع) و زینب کبرا بود.تنها با این نوع مبارزه بود که می شد تمام بافته های سی و چند ساله بنی امیه را از بین برد و شورش بنیادی بر ضد بنی امیه پی افکند و

کاخ یزید و امویان آن زمان و زمان های آتی را برای همیشه لرزاند و واژگون کرد.

عوامل پیدایش نهضت و زمینه ها

اشاره

سه عامل یاد شده در ذیل در پیدایی این قیام و نهضت اثر داشت که به اجمال به آن ها می پردازیم الف درخواست بیعت از امام حسین ع) برای یزید و وارد آوردن فشار به آن حضرت به این منظور؛ب دعوت مرم کوفه از امام به عراق ج عامل امر به معروف و نهی از منکر که امام حسین ع) از روز نخست از مدینه با این شعار حرکت کردند.و اکنون هر کدام از این ها را به اختصار توضیح می دهیم

مخالفت با یزید

چنان که مورّخان می گویند، پس از مرگ معاویه در نیمه ماه رجب سال ۶۰هجری یزید به ولید بن عتبه بن ابی سفیان حاکم مدینه که از امام حسین برای خلافت او بیعت بگیر و به وی فرصت تأخیر در این کار را ندهد. با رسیدن نامه یزید، حاکم مدینه حسین بن علی ع) را خواست و موضوع را با او در میان گذاشت امام حسین ع) که از قبل با ولی عهدی یزید مخالف بود، این بار نیز مخالفت کرد. زیرا بیعت با یزید نه تنها تأیید حکومت او بود بلکه به معنای تأیید به علت بزرگی هم چون تأسیس رژیم سلطنتی بود که معاویه پایه گذاری کرده بود.چند روز فشار بر امام وارد ساخت تا این که بر اثر فشار حضرت در ۲۸ رجب با اعضای خانواده و گروهی از بنی هاشم مدینه را به طرف مکه ترک گفتند و سوم شعبان وارد مکّه شدند. انتخاب مکّه چند مزیّت سیاسی داشت که بماند. ولی در هر حال این موضوع روشن است که امام قبل از دعوت کوفیان

چون که در برابر فشار حکومت یزیـد ازخود مخالفت نشان داده بود باز هم بیعت نمی کردند و به هر نحو این قیام صورت می گرفت

دعوت کوفیان از امام

امام از زمان ورود به مکه به افشای ماهیّت ضد اسـلامی رژیم وقت پرداخت گزارش مخالفت امام با یزید به عراق رسـید و این مردم بی وفـا که طعم خوش حکومت عـدل را چشـیده بودنـد، بزرگانشـان دور هم جمع شدنـد و با ارزیابی اوضاع تصـمیم به مخـالفت بـا یزیـد و دعوت امام و پیروی آن حضـرت گرفتنـد.خلاصه این ماجرا، باعث شـد که سـیل هزاران نامه به سوی امام روان شود. امـام با توجه به این اسـتقبال عظیم و سـیل نامه ها و تقاضاها، چون احساس مسـئولیت و وظیفه کردنـد عکس العمل مثبت نشان دادنـد و پسـر عموی خود، مسـلم بن عقیل را به کوفه اعزام نمود تا اوضاع عراق را بررسـی نمایـد و نتیجه را به امام واصل دارد که اگر مثبت بود امام رهسپار عراق گردد.

عامل امر به معروف و نهی از منکر

امام حسـین ع) از روز نخست با این شعار از مدینه حرکت کردند، با این نظر اگر از امام ع) بیعت هم نمی خواستند، باز قیام را لازم می دانست و نیز علت قیام منحصـر در دعوت کوفیان هم نبود، زیرا دیـدیم که حـدود یک ماه و نیم بعـد از خودداری از بیعت بود که دعوت کوفیان آغاز شـد. از این دیدگاه منطق امام ع) منطق اعتراض و تهاجم بر حکومت غیر اسـلامی بود. منطق امـام این بود که چون منکر جهان اسـلام را فرا گرفته و حکومت وقت سرچشـمه فساد درآمـده او به حکم مسـئولیت شـرعی و وظیفه الهی خود باید قیام کند.

پیام های عاشورا

اشاره

چند نوع پیام از عاشورا به نظر می رسد که به طور اجمال و مختصـر و چون که دراین ورطه مجال آن نیست که مفصـلاً به این ابعاد و پیام ها پرداخت شود، به آن ها اشاره می کنیم

پیام های اعتقادی توحید در عقیده و عمل

امام حسـین ع) تنها تکیه گاهش خدا بود، نه نامه ها و حمایت ها و شـعارها، وقتی سپاه حرّ راه را بر کاروان امام بست حضرت ضمن خطابه ای که درباره حرکت خویش وامتناع از بیعت و استناد به نامه های کوفیان بود و ضمن گله گزاری از عهد شکنی کوفیان فرمود: «تکیه گاهم خـداست و او مرا از شـما بی نیاز می کنـد. سـیغنی الله عنکم در ادامه راه نیز وقتی با عبدالله مشـرقی ملاقـات کرد و او اوضـاع کوفه و گرد آمـدن مردم را برای جنگ با آن حضـرت بیان کرد پاسخ امام این بود که «حسبی الله و نعم الوکیل »

مبدأ و معاد: عقیده به مبدأ و معاد مهم ترین عامل جهاد و فداکاری در راه خدا

چنین اعتقادی در کلمات امام حسین ع) و اشعار و رجزهای او و یارانش نقش محوری دارد و به برجسته ترین شکل خود را نشان می دهد. امام حسین ع) روز عاشورا وقتی بی تابی خواهرش را می بیند، این فلسفه بلند را یادآور می شود و می فرماید:«خواهرم در نظر داشته باش بدان که همه زمینیان می میرند، آسمانیان هم نمی مانند هر چیزی جز وجه خدا که آفریدگار هستی است از بین رفتنی است خداوند همگان رادوباره برمی انگیزد و دیگر سخنان آن حضرت که گویای این مسئله است

رسالت پیامبر

در عصر پیامبر، هرچند به ظاهر همه او را قبول داشتند و مطیع او بودند. امّا درعصر پس از او امت دچار تجزیه شد برخی به سنّت و دین او وفادار ماندند، برخی در پی احیای جاهلیّت های رنگ باخته و بی روح راه افتادند. پیدایی ضلالت و بدعت و حیرت و جهالت نوعی انشعاب در پیروان اسلام بود و جنگیدن با ذریّه پیامبر، خروج از دین و انکار رسالت آن حضرت بود. حضرت سیدالشهدا در مکه با ابن عباس درباره امویان حاکم سخن گفت حضرت از وی پرسید: «نظر تو درباره کسانی که پسر دختر پیامبر را از خانه ووطن و زادگاهش بیرون کرده چیست » و «ابن عباس گفت «آنان به خدا و پیامبرش کافر شدند و نماز را جز به کسالت به جا نمی آورند.» امام حسین ع) فرمود: «خدایا شاهد باش ابن عباس به صراحت به کفر آنان نسبت به خداوند و پیامبرش گواهی داد.» در طول سفر نیز امام ع) و خاندانش پیوسته از رسول خدا یاد می کردند و خود را از

نسل پیامبر پاک معرفی می کردند.

بدعت ستیزی

امـام حسـین ع) عمل به این تکلیف الهی را مصـداقی برای به دفاع از حریم دین برشـمرد و از انگیزه های خویش احیای دین و بـدعت ستیزی را نام برد. از جمله در نامه ای که به بزرگان بصـره نوشت چنین آمـده است «أدعوکم الی کتاب الله و سـنه فان ّ السنّه قد امییت و البدعه قد احییت »

پیامهای اخلاقی

آزادگی در آن است که انسان کرامت و شـرافت خویش را بشناسد و تن به پستی وذلت و حقارت و اسارت دنیا و زیر پانهادن ارزش های انسانی ندهد.امام حسین ع) فرمود: «موت فی عزّ خیرُ من حیاه فی ذل مرگ با عزت بهتر ازحیات با ذلت است » این نگرش به زندگی ویژه آزادگان است نهضت عاشورا جلوه بارزی از آزادگی در حدود امام ع) و خاندان و یاران شـهید اوست وقتی می خواسـتند به زور از آن حضـرت بیعت بگیرنـد به نفع یزیـد، ایشان قبول نکرده و فرمودنـد: «لا و اللّه لا أعطیهم بیـدی اعطاء الـذلیل و لا أفرّ فرار العبید؛ نه به خدا سوگند نه دست ذلت به آنان می د هم و نه چون بردگان تسـلیم حکومت آنان می شوم » صـحنه کربلا نیز جلوه دیگری از این آزادگی بود. آن حضرت از میان دو امر: شمشیر یا ذلّت مرگ با افتخار را پذیرفت وبه اسـتقبال شمشـیرهای دشـمن رفت و فرمود: «ألا ان ّالـدَّعی َّبن الـدَّعی ّقد رکزنی بین اثنین بین السّـلَّه و الذلّه و هیهات منا الـذلّه »ایثـار: در صـحنه عـاشورا، نخستین ایثارگر، سیدالشـهدا(ع) بود که حاضـر شـد فـدای دین گردد و رضای او بر همه چیز برگزیند

و از مردم نیز بخواهد، کسانی که حاضرند خون خود را در این راه نثار کنند با او هم سفر کربلا شوند. اصحاب آن حضرت نیز هر کدام ایثارگرانه جان فدای امام خویش کردند. برای نمونه به یکی از آن ها اشاره می کنیم جلوه آشکار ایثار در کار زیبای حضرت ابوالفضل ع) بود. علاوه بر آن که امان ابن زیاد را که شمر آورده بود، رد کرد و شب عاشورا نیز اظهار کرد که «هرگز از تو دست نخواهم کشید، خدا نیاورد زندگی پس از تو را.» و صدها پیام دیگر از این قیام عظیم و مبارک می توان درک کرد؛ مانند تکریم انسان توکل عزت جهاد با نفس صبر و استقامت شجاعت عفاف و حجاب عمل به تکلیف غیرت مواسات فتوت و جوانمردی و...

مدیریت در عاشورا

قیام عاشورا، نهضتی حساب شده و با برنامه بود، نه شورش کور و بی هدف برای لحظه به لحظه و روز به روز و مقطع به مقطع آن دور اندیشی و تدبیر به کار گرفته شده بود و با پیش بینی همه احتمالات و صورت های حادث چاره اندیشی های دقیق انجام یافته بود. با مروری به حادثه عاشورا از آغاز حرکت امام ع) از مدینه تا پایان ماجرا به نمونه هایی از این برنامه ریزی ها و تدبیرها برمی خوریم که اشاره وار از این قرار است – حفاظت شخصی در دیدار با ولید در مدینه تعیین نیروی گزارش گر در مدینه (محمد بن حنفیه .– خنثی کردن توطئه ترور امام در مکه (عمرو بن سعد).– جمع آوری اطلاعات از رهگذران در

مسیر کوفه – جذب نیروی پشتیبان برای جبهه حق (زهیر بن قین .– تصفیه نیرو از عناصر نامطمئن – سنجش افکار عمومی در کوفه (مسلم بن عقیل .– بهره گیری از حضور زنان و کودکان در تأثیرگذاری عاطفی بر روی مردم – همراه آوردن شهود برای صحنه های عاشورا برای گزارش گری های بعدی از زنان و اطفال و چندین نکته دیگر که نشان از مدیریت فوق العاده در آن قیام الهی بود.

بیداری ملت ها

از جمله آثار و برکات دیگر قیام و شهادت سیدالشهدا(ع) در بعد سیاسی اجتماعی اوست بیداری خفتگان و انتقال روح مبارزه جویی علیه ظلم و ستم بوده و هست در آن اوضاع انقلاب خونین سیدالشهدا(ع) تمام معادلات سیاسی دشمنان را در هم زده و اوضاع اجتماعی آن دوران را دگرگون ساخت جان فشانی شخصیت منحصر به فردی چون امام حسین ع) که از نخبگان و برگزیدگان و پیشوای علی الاطلاق مسلمانان بود وبا فضیلت ترین و نزدیک ترین آنان به پیامبر اسلام ص) بود. خدایی بودن حرکت مصلحانه سیدالشهدا(ع) و گذشت از همه هستی اش و عمق فاجعه و مظلومیت آن امام عزیز از ناحیه سوم باعث گردید، زنگ بیدار باش خواب سنگین مردم را بر هم زند و مردگان را احیا کند و درخت اسلام را که به پژمردگی روی آورده بود با خون خود آبیاری کند و آن چنان طراوت بخشید که تا ابد سرسبز و خرّم باقی بماند.خون امام حسین ع) همانند آب حیاتی بود که در کالبدهای مرده و خشک و مأیوس جریان پیدا کرد و منشأ قیام های بسیاری شده و به راستی می توان گفت که عصرعاشورا پایان نهضت

حسین ع) نبود بلکه آغاز حرکت و اوّل بیداری ملت اسلام خصوصاً شیعیان بود. (برای نمونه مورخ مشهور می گوید: «در طی قرون آینده بشریّت و در سرزمین های مختلف شرح صحنه حزن آور مرگ حسین ع) موجب بیداری قلب خون سردترین قاریان و خوانندگان خواهد شد.»

نقش عاشورا در هم بستگی شیعه

جامعه شیعه در ابعاد مختلفی تحت تأثیر حادثه کربلا قرار داشته است اما این که تصور شود این تأثیر تنها در بعد سیاسی بوده صحیح نیست به عکس تأثیر حادثه کربلا بیشتر غیر سیاسی بوده است یعنی الهی بوده و از طرف خود پروردگار هدایت می شد. درآن زمان اوضاع عمومی اسلام و مسلمین بسیار ناراحت کننده بود. فعالیت ها و تبلیغات مسموم علیه علی ع) و آل علی و نیز تحریفات و بدعت هایی که زیرکانه در اسلام داخل کرده بودند، اوضاع را برای نابودی تدریجی اسلام و محو نام محمّد(ص) آماده کرده بود.خلافت الهی به حکومت سلطنتی تبدیل شده بود. روح شریعت اسلام یعنی پرهیزگاری و عدالت در اجتماع دیده نمی شد و از احکام اجتماعی دین فقط جمعه و جماعات آن هم به صورت تشریفاتی وجود داشت و گاهی همین صورت تشریفاتی هم به بدعت و بلکه فسق و فجور می گرایید. اکثر کسانی که زمان پیامبر(ص) او و وحی را درک کرده بودند، رفته بودند و در رأس همین جامعه هم یک حاکم فاسق و فاجر چون یزید نشسته بود که به خود لقب امیرالمؤمنین و خلیفه مسلمین داده بود. در چنین وضع خطرناکی حسین ع) پای فشرد و عزم جهاد راسخ کرد و با تعداد معدودی از یاران و همراه زنان و کودکان به

استقامت برخاست و فریاد بیدار باش به مسلمین سرداد که تا به حال آن فریاد مانده و خواهد ماند و نمونه اش را هم که در انقلاب و هم در جبهه های حق علیه باطل به فرزندان شیعیان داده بود، دیدیم

جایگاه زنان در عاشورا

نهضت عاشورا برای احیای ارزش های دینی بود. در سایه آن حجاب و عفاف زن مسلمان نیز جایگاه خود را دریافت و امام حسین ع) و زینب کبرا و دودمان رسالت چه با سخنانشان و چه با نحوه عمل خویش یادآور این گوهر ناب گشتند. زینب کبرا وخاندان امام حسین ع) الگوی حجاب و عفاف هستند. زنان در عاشورا در عین مشارکت در حماسه عظیم و ادامه رسالت حسّاس و بزرگ اجتماعی متانت و عفاف را هم مراعات کردند و اسوه همگان شدند.سید بن طاووس نقل کرده است «در شب عاشورا امام حسین ع) در گفتگو با خانواده اش آنان را به حجاب و عفاف و خویشتن داری توصیه کرد. روز عاشورا وقتی که زینب کبری بی طاقت صبر شد و به صورت خود زد امام ع) به او فرمود آرام باش زبان شماتت این گروه را به ما دراز مکن » دختران و خواهران امام ع) (در همه صحنه ها)مواظب بودند تا حریم عفاف و حجاب اهل بیت پیامبر تا آن جا که می شود حفظ و رعایت شود. از اعتراض های شدید حضرت زینب نیز به یزید این بود که «ای یزید آیا از عدالت است که کنیزان خود را در حرم سرا پوشیده نگاه داشته ای و دختران پیامبر را به صورت اسیر شهر به شهر می گردانی و حجات آنان را هتک کرده

چهره هایشان را در معرض دید همگان قرار داده ای که دور و نزدیک به صورت آنان نگاه کنند.» ولی با آن حال وظیفه بزرگی هم در عاشورا به عهده زنان گذاشته شده بود و آن هم پیام رسانی واشاعه فرهنگ عاشورا بود.این است مقام زن و این است جایگاه زنی که عاشورا به بعد از خودش به جای گذاشت

تحریفات عاشورا

یکی از اعجازهای حادثه کربلا، زنده ماندن آن است و هرچند از زمان آن می گذرد، تازه تر و شفاف تر می گردد و قلوب انسان ها را به خود معطوف می سازد و اماهرچند جنایات بنی امیه شکوه و عظمت آن واقعه را از میان بردارد و نیز تخریب بارگاه آن حضرت مؤثر واقع نشده اما با طرح تحریف وقایع کربلا سعی دارند اهداف مقدس حضرت سیدالشهدا(ع) را از دهان مردم منحرف سازند تا به دنیا بفهمانند که حادثه کربلا حرکت انقلابی اسلامی و الهی و تاریخ ساز نبوده بلکه یک درگیری حکومتی سیاسی وجاه طلبی بوده است که مع الأسف برخی از گویندگان نیز برای گرم کردن مجلس خود و گریاندن مردم از آن بهره می جویند، که بر همگان تکلیف است که از اشاعه چنین سم های مهلکی جلوگیری کنند. اکنون به نمونه ای از آن تحریفات از کلام استاد مطهری اشاره می کنیم ایشان درباره قصه حضور لیلا مادر حضرت علی اکبر در کربلا می گوید:«هنگامی که حضرت علی اکبر(ع) قصد عزیمت به میدان نبرد را داشت امام حسین ع)دلش رضایت نمی داد. پس از همسرش لیلا می خواهد، که در حق پسرش دعا کند تا سالم بازگردد و لیلا نیز دعا می کند و حضرت علی اکبر(ع) پس از جنگ فراوان خسته برمی گردد

و به هنگام بازگشت مجدد به میدان دیگر نزد مادر نمی رود و شهید می گردد.»این حکایت چند اشکال اساسی دارد: ۱ با منطق جان بازی ایثار و شهامت امام ع) سازگار نیست ۲ تمام مورخان نوشته اند که هرکس برای رفتن به میدان نبرد ازامام ع) اجازه می خواست و حضرت به نحوی برای آنان عذری ذکر می کرد، جز برای علی اکبر(ع) ۳ زنی به نام لیلا در کربلا نبوده است که چنین حکایتی رخ دهد و قس علی هذا.۴ امام ع) می گوید: برو مادرت دعا کند. مگر دعای خود امام از لیلا اثرش کم تر بود.

ماهیت سوگواری

مجالس عزای حسینی همواره کانون بیدارگری ها، ارشاد و کفر ستیزی بوده است و پیوسته امامان شیعه دوستانشان را ترغیب به برپایی این گونه مجالس می کردند. این علاقه پاکی که مردم به اهل بیت و سالار شهیدان دارند، سرمایه ارزش مند تربیت وهدایت است و باید در این مجالس از آرمان بلند حضرت گفت باید در این مجالس عبرت ها و درس های عاشورا مطرح شود. تا خفتگان بیدار شوند. این مجالس حسینی فقط برای این نیست که چند روز گرد هم بیاییم و گریه و زاری و سینه و زنجیر بزنیم و بعد روز از نو و روزی از نو. بلکه هم چنان که امام خمینی و بزرگان کشور گوش زد می کردند ومی کنند این محرم است که اسلام را زنده نگه داشته است

نقش عاشورا در انقلاب ها

آثار نهضت حسینی از خود دستگاه اموی و دشمنان حضرت شروع شد. درست مثل آبی که با حرارت می جوشید و می رود. پیش از به جوش آمدن نخست حباب هایی از ته دیگ بالا می آید و در روی آب می ترکد، پس از آن جوشیدن کم کم آغاز می گردد.انقلاب یک جامعه علیه دستگاه ظلم نیز به همین شکل است اوّل انتقادها و فریادهای عدالت خواهی و تظلم که همانند حباب های ته دیگ از گوشه و کنار کشور شنیده می شود و بعداً جوشیدن آغاز می شود.بعد از شهادت امام حسین بلافاصله این فریادها و انتقادها که مقدمه فروریختن ارکان حکومت منحوس بنی امیه بود، بلند شد. سنان بن انس هنوز از قتلگاه امام بیرون نرفته بود که یارانش به او گفتند: «تو حسین بن علی را پسر پیامبر و پسر دختر پیامبر را کشتی تو

مردی را کشتی که از همه عرب بزرگ تر است و آمده بود تا حکومت را از دست بنی امیه بگیرد. اکنون پیش امرای خود برو و پاداش خود را بگیر و بدان که اگر تمام موجودی خزانه های خودشان را در برابر کشتن حسین به تو بدهند باز هم کم است »و این نشان دهنده آن است که از همان لحظات اولین بعد از فاجعه عاشورا جرقّه انقلاب ها آغاز شده است و بعد از آن بود که قیامهایی مانند قیام مختار و توابین وسرانجام قیام بزرگ ایران بوجود آمد و به نظر می رسد بعد از این هم اگر قیامی علیه ظلم رخ دهد به برکت عاشورا و کربلا باشد.

نقش اجتماعی مداحان

مدّاحی مداحان و برپاداشتن مراسمی به یاد امام حسین در ایام مختلف به حق نقش به سزایی در زنده نگه داشتن فرهنگ عاشورا و محرم داشته است و این عمل مورد تشویق بسیار اولیای دین هم بوده است و خود معصومان اسلام در راه اقامه عزای حسینی می کوشیدند؛ اولین مراسم سوگواری را اهل بیت در کنار کاخ یزید برپاکردند و خود خاندان امام به نوحه خوانی پرداختند و مردم نیز هماهنگ با آل اللّه سینه زنی و نوحه خوانی کردند. ابوهارون مکفوف می گوید: «روزی خدمت امام صادق رسیدم حضرت فرمود: برایم شعر بخوان (در سوگ حسین من نیز خواندم حضرت فرمود: نه این طور، بلکه همان گونه که برای خودتان شعر خوانی می کنید و همان گونه که نزد قبّه سیدالشهدا مرثیه می خوانی »ولی عزاداری باید از قداست و اخلاص برخوردار شود و از هرگونه امور دنیوی و ریا که روح الهی و

قداست آن را مورد شبهه و تردید قرار می دهد، احتراز نمود.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹